



روحانیت و دین‌مداری در ایران

طراحی مدل راهبردی

حسین بستان (نجفی)

بهار ۱۴۰۲

Bustan, Huseyin

بستان (نجفی)، حسین، ۱۳۴۷ -

روحانیت و دین‌مداری در ایران: طراحی مدل راهبردی / حسین بستان (نجفی). - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت پژوهش، دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی، ۱۴۰۲.
۲۱۹ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۶۹: جامعه‌شناسی؛ ۵۱)

ISBN: 978-600-298-463-0

بها: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۲۰۱] - ۲۰۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. روحانیت -- ایران -- زندگی مذهبی. ۲. Clergy -- Iran -- Religious life. ۳. روحانیت -- ایران -- وضع

اجتماعی. ۴. Clergy -- Iran -- Social conditions. ۵. طلاب -- ایران -- وضع اجتماعی.

۶. Iran -- Islamic seminarians -- Social conditions. ۷. طلاب -- ایران -- زندگی مذهبی.

۸. Islamic seminarians -- Iran -- Religious life. ۹. دینداری. ۱۰. Religiousness. ۱۱. حوزه‌های علمیه -- ایران --

مدیریت. ۱۲. * Islamic theological seminaries -- Iran -- Administration

الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه. معاونت پژوهش. دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی.

BP۲۲۳/۸ ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی

۹۱۱۸۳۴۹



روحانیت و دین‌مداری در ایران؛ طراحی مدل راهبردی

مؤلف: حسین بستان (نجفی) (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش حوزه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ
بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، شماره: ۳۲۱۱۱۳۰۰

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

info@rihu.ac.ir

www.rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شوند و افزون بر ارتقای کمی و کیفی منابع درسی و جلوگیری از دوباره‌کاری، گامی در مسیر تولید دانش‌های مربوط برداشته شود؛ از این رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی برای نیل به هدف یادشده، هشتمین اثر مشترک خود را با عنوان «روحانیت و دین‌مداری در ایران؛ طراحی مدل راهبردی» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این اثر به‌عنوان منبعی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های علمیه قابل استفاده است، همچنان که به‌عنوان منبع مطالعاتی برای درس جامعه‌شناسی دین در رشته علوم اجتماعی و سایر دروس مرتبط در رشته‌های دین‌پژوهی و به‌طور خاص برای دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری می‌تواند سودمند باشد. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های مؤلف محترم، حجت‌الاسلام حسین بستان نجفی و نیز از ناظر محترم، دکتر یونس نوربخش و ارزیابان گرانقدر، حجج اسلام آقایان عبدالحسین خسروپناه و شمس‌الله مریجی سپاسگزاری کنیم.

دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی
معاونت پژوهش حوزه

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱
مقدمه.....	۵
بیان مسئله.....	۵
پیشینه تحقیق.....	۷
مراحل و روش تحقیق.....	۱۰
۱. تدوین ارزش‌های ورودی.....	۱۲
۲. شناسایی ظرفیت‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها، منابع، تهدیدها و موانع.....	۱۲
۳. بررسی ضعف‌های عملکردی روحانیت.....	۱۳
۴. ارائه چشم‌انداز، راهبردها و نظام ارزیابی.....	۱۳
۵. اعتباربخشی به گزارش نهایی تحقیق.....	۱۴
مفهوم‌شناسی.....	۱۴
• تعریف دین‌مداری.....	۱۴
• تعریف روحانیت.....	۱۷
پیش‌فرض‌های تحقیق.....	۱۹

فصل اول: وظایف روحانیت

۱-۱. فهم دین.....	۲۶
۱-۱-۱. طلبگی.....	۲۶
۱-۱-۲. اجتهاد.....	۲۷
• دلیل وجوب حفظ نظام.....	۲۸
• دلیل وجوب حفظ شریعت.....	۲۹
• برخی روایات خاص.....	۲۹
۲-۱. تعلیم دین.....	۳۳
۱-۲-۱. افتا.....	۳۳

۳۴ ۲-۲-۱. تبلیغ
۳۸ ۳-۱. حراست دین
۳۸ ۱-۳-۱. امانت‌داری در دین
۴۳ ۲-۳-۱. دفاع از دین
۴۶ ۴-۱. اقامه دین
۴۶ ۱-۴-۱. تدین فردی
۴۸ ۲-۴-۱. تربیت اجتماعی
۴۸ ۳-۴-۱. قضاوت
۵۰ ۴-۴-۱. نظارت
۵۲ ۵-۴-۱. ولایت
۵۸ ۶-۴-۱. اجرای مناسک، شعایر و تشریفات مذهبی
۵۸ ۵-۱. مدیریت روحانیت
۵۹ ۱-۵-۱. مدیریت علوم حوزوی
۶۰ ۲-۵-۱. مدیریت فرهنگ حوزوی
۶۱ ۳-۵-۱. مدیریت ارتباطات روحانیت
۶۲ ۴-۵-۱. مدیریت منابع و نیروی انسانی
۶۲ ۵-۵-۱. نظارت و ارزیابی

فصل دوم: توانمندی‌ها و موانع روحانیت در زمینه تحکیم دین‌مداری

۶۵ ۱-۲. فهم دین
۶۵ ۱-۱-۲. طلبگی
۶۹ ۲-۱-۲. اجتهاد
۷۲ ۲-۲. تعلیم دین
۷۳ ۱-۲-۲. افتا
۷۷ ۲-۲-۲. تبلیغ
۸۱ ۳-۲. حراست دین
۸۲ ۱-۳-۲. امانت‌داری در دین
۸۳ ۲-۳-۲. دفاع از دین
۸۵ ۴-۲. اقامه دین
۸۵ ۱-۴-۲. تدین فردی
۸۶ ۲-۴-۲. تربیت اجتماعی
۹۱ ۳-۴-۲. قضاوت
۹۲ ۴-۴-۲. نظارت
۹۳ ۵-۴-۲. ولایت
۹۷ ۶-۴-۲. اجرای مناسک، شعایر و تشریفات مذهبی

۹۸.....	۵-۲. مدیریت روحانیت.....
۹۹.....	۱-۵-۲. مدیریت علوم حوزوی.....
۱۰۲.....	۲-۵-۲. مدیریت فرهنگ حوزوی.....
۱۰۳.....	۳-۵-۲. مدیریت ارتباطات روحانیت.....
۱۰۵.....	۴-۵-۲. مدیریت منابع و نیروی انسانی.....
۱۰۸.....	۵-۵-۲. نظارت و ارزیابی.....

فصل سوم: روحانیت و کاستی‌های عملکردی مؤثر در افول دین‌مداری

۱۱۶.....	۱-۳. فهم دین.....
۱۱۶.....	۱-۱-۳. طلبگی.....
۱۱۷.....	۲-۱-۳. اجتهاد.....
۱۱۷.....	الف) نگاه منظومه‌وار به گزاره‌های دینی.....
۱۱۸.....	ب) اعتبارسنجی اسنادی.....
۱۱۹.....	ج) عقل‌گرایی.....
۱۲۳.....	د) روزآمدی.....
۱۲۵.....	ه) پذیرش مبنای سهولت شریعت.....
۱۲۶.....	۲-۳. تعلیم دین.....
۱۲۶.....	۱-۲-۳. افتا.....
۱۲۸.....	۲-۲-۳. تبلیغ.....
۱۳۳.....	۳-۳. حراست دین.....
۱۳۳.....	۱-۳-۳. امانت‌داری در دین.....
۱۳۴.....	۲-۳-۳. دفاع از دین.....
۱۴۰.....	۴-۳. اقامه دین.....
۱۴۰.....	۱-۴-۳. تدین فردی.....
۱۴۱.....	۲-۴-۳. تربیت اجتماعی.....
۱۴۳.....	۳-۴-۳. قضاوت.....
۱۴۵.....	۴-۴-۳. نظارت.....
۱۴۶.....	۵-۴-۳. ولایت.....
۱۵۵.....	۶-۴-۳. اجرای مناسک، شعایر و تشریفات مذهبی.....
۱۵۶.....	۵-۳. مدیریت روحانیت.....
۱۵۶.....	۱-۵-۳. مدیریت علوم حوزوی.....
۱۶۰.....	۲-۵-۳. مدیریت فرهنگ حوزوی.....
۱۶۵.....	۳-۵-۳. مدیریت ارتباطات روحانیت.....
۱۶۷.....	۴-۵-۳. مدیریت منابع و نیروی انسانی.....
۱۷۰.....	۵-۵-۳. نظارت و ارزیابی.....

فصل چهارم: چشم‌انداز و راهبردهای نقش‌آفرینی روحانیت در زمینه دین‌مداری

۱۸۲	۱-۴. فهم دین.....
۱۸۲	۱-۱-۴. طلبگی.....
۱۸۳	۲-۱-۴. اجتهاد.....
۱۸۵	۲-۴. تعلیم دین.....
۱۸۵	۱-۲-۴. افتا.....
۱۸۶	۲-۲-۴. تبلیغ.....
۱۸۷	۳-۴. حراست دین.....
۱۸۷	۱-۳-۴. امانت‌داری در دین.....
۱۸۷	۲-۳-۴. دفاع از دین.....
۱۸۸	۴-۴. اقامه دین.....
۱۸۸	۱-۴-۴. تدین فردی.....
۱۸۸	۲-۴-۴. تربیت اجتماعی.....
۱۸۹	۳-۴-۴. قضاوت.....
۱۹۰	۴-۴-۴. نظارت.....
۱۹۰	۵-۴-۴. ولایت.....
۱۹۱	۶-۴-۴. اجرای مناسک، شعایر و تشریفات مذهبی.....
۱۹۱	۵-۴. مدیریت روحانیت.....
۱۹۱	۱-۵-۴. مدیریت علوم حوزوی.....
۱۹۲	۲-۵-۴. مدیریت فرهنگ حوزوی.....
۱۹۲	۳-۵-۴. مدیریت ارتباطات روحانیت.....
۱۹۳	۴-۵-۴. مدیریت منابع و نیروی انسانی.....
۱۹۳	۵-۵-۴. نظارت و ارزیابی.....
۱۹۴	تحلیلی آینده‌نگر درباره راهبردهای پیشنهادی.....
۱۹۵	• پیش‌بینی اجرای راهبردها.....
۱۹۵	• پیش‌بینی میزان دستیابی به اهداف.....
۱۹۶	• پیش‌بینی آثار ناخواسته اجرای راهبردها.....
۱۹۷	• پیش‌بینی پیامدهای عدم اجرای راهبردها.....
۱۹۷	تدوین نظام ارزیابی.....
۱۹۹	نتیجه‌گیری.....
۲۰۱	منابع
۲۰۷	منابع اینترنتی.....
۲۰۸	مصاحبه‌ها و ارزیابی‌ها.....
۲۱۱	نمایه موضوعی.....

جداول

- جدول (۱): مراحل و روش‌های طراحی الگوی مطلوب..... ۱۱
- جدول (۲): شاخص‌های دین‌مداری در متون دینی..... ۱۷
- جدول (۳): وظایف روحانیت در اسلام..... ۲۶
- جدول (۴): ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و موانع روحانیت در زمینه تقویت دین‌مداری..... ۱۰۹
- جدول (۵): عوامل افول دین‌مداری در گزاره‌های متون دینی..... ۱۱۴
- جدول (۶): کاستی‌های روحانیت در زمینه تقویت دین‌مداری..... ۱۷۳
- جدول (۷): چشم‌انداز نقش‌آفرینی روحانیت در تقویت دین‌مداری در افق ۱۴۳۰..... ۱۷۸

پیش‌گفتار

دین و روحانیت، دو کلیدواژه اصلی این نوشتارند که ادبیات علمی گسترده‌ای پیرامون هر یک از آنها تولید شده است و این به دلیل نقش بی‌بدیل فرانهاد دین و نهاد یا سازمان روحانیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در جوامع گوناگون و به طور خاص در جامعه ایران است. با این حال، بررسی این دو عامل مهم در ارتباط با یکدیگر و در ضمن یک مسئله پژوهشی، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است که اثر حاضر از این زاویه به بحث دین و روحانیت ورود کرده و کوشیده است نقش روحانیت به‌عنوان متغیر مستقل را در دین‌مداری به‌عنوان متغیر وابسته چه در بُعد توصیفی و چه در بُعد تجویزی تحلیل کند. بنابراین، تحقیق پیش رو درصدد واکاوی هیچ‌یک از این دو موضوع به طور مستقل و همه‌جانبه نیست، بلکه صرفاً می‌کوشد مسائل فراوان روحانیت را با برش خاصی که به آنها می‌زند، یعنی از زاویه تأثیر روحانیت بر دین‌مداری در جامعه ایران بررسی کند.

انگیزه اولیه تدوین این کتاب به زمانی بازمی‌گردد که پژوهشی در زمینه عوامل عرفی شدن در متون دینی با تأکید بر جامعه معاصر ایران در دست نگارنده بود، پژوهشی که نتایج آن در کتابی با عنوان نظریه عرفی شدن با رویکرد اجتهادی تجربی ارائه شد. با توجه به رویکرد تبیینی و جامع‌نگر این پژوهش و ظرفیتی که برای طراحی اقدامات مداخله‌ای در مسئله دین‌داری فراهم می‌کرد و بر اساس احساس وظیفه شرعی، پیوسته این انگیزه را در خود قوی‌تر حس می‌کردم که باید در حیطه فعالیت‌های پژوهشی‌ام سهمی را به موضوع تقویت دین‌داری و مقابله با روند عرفی شدن در جامعه اختصاص دهم. این امر منجر به تدوین طرحی جامع درباره راهکارهای مقابله با عرفی شدن در ایران گردید که پس از تأمل و مشورت با برخی همکاران گرامی نهایتاً

تصمیم به مرحله‌بندی این طرح و اجرای بخشی از آن در گام نخست گرفته شد. بدین ترتیب با محدودسازی دامنه پژوهش به بررسی نقش روحانیت در این مسئله، فرایند تحقیق و تألیف این کتاب آغاز شد.

اجرای این پژوهش در زمینه سازمان و کارکرد روحانیت از سوی فردی که خود به این نهاد، تعلق سازمانی و عاطفی دارد، ممکن است شائبه سوگیری و عدم رعایت بیطرفی علمی را به همراه داشته باشد که نهایت کوشش در جهت جلوگیری از بروز چنین اشکالی صورت گرفته است. از سوی دیگر، می‌توان همین نکته را دربردارنده مزیتی ویژه برای این پژوهش دانست؛ زیرا زمینه‌نگاهی تفهیمی و همدلانه را که روش‌شناسان علوم اجتماعی در تحقیقات کیفی بر آن تأکید دارند، فراهم کرده است، در حالی که بخش عمده‌ای از پژوهش‌هایی که به‌ویژه در سال‌های اخیر در زمینه روحانیت به انجام رسیده‌اند، به واسطه کسانی اجرا شده‌اند که رویکرد همدلانه‌ای به روحانیت نداشته‌اند یا دست‌کم نتوانسته‌اند مشکل فاصله ذهنی محقق با موضوع تحقیق را برطرف کنند و به قول معروف، از دور دستی بر آتش داشته‌اند و همین امر به روایی یافته‌های پژوهشی آنان آسیب زده است.

مباحث کتاب در قالب مقدمه و چهار فصل و نتیجه‌گیری تنظیم شده است. فصل نخست به بررسی وظایف روحانیت با استناد به متون دینی و با نگاهی به دیدگاه صاحب‌نظران پرداخته و در فصل دوم، از توانمندی‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های روحانیت در زمینه تقویت دین‌مداری در جامعه سخن به میان آمده است. فصل سوم با رویکردی آسیب‌شناسانه به بررسی کاستی‌های عملکردی و سازمانی روحانیت که در افول دین‌مداری در ایران معاصر اثرگذارند، می‌پردازد و فصل چهارم به ترسیم چشم‌انداز و راهبردهای نقش‌آفرینی روحانیت در زمینه تحکیم دین‌مداری اختصاص یافته است.

لازم می‌دانم از ناظر محترم تحقیق، دکتر یونس نوربخش عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ارزیابان گران‌قدر (حجج اسلام آقایان عبدالحسین خسروپناه و شمس‌الله مریجی) و اساتید محترم مصاحبه‌شونده (آیات و حجج اسلام آقایان ابوالقاسم علیدوست، عبدالکریم بهجت‌پور، علی محمد حکیمیان، علی شیروانی و سید حسن ربانی) که از نقدها و نکات اصلاحی آنان بسیار بهره‌مند شدم و نیز سایر همکاران و دوستانم در بخش ستادی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پیش‌گفتار ۳

که در فرایند اجرای این تحقیق به شکل‌های گوناگون مساعدت کردند، قدردانی و تشکر کنم و توفیق و سربلندی و سعادت همه این عزیزان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

حسین بستان (نجفی)

زمستان ۱۴۰۰

مقدمه

این مقدمه شامل محورهای پنج‌گانه بیان مسئله، پیشینه تحقیق، مراحل و روش تحقیق، مفهوم‌شناسی روحانیت و دین‌مداری و پیش‌فرض‌های تحقیق است که به طور گذرا به هر یک اشاره خواهیم کرد.

بیان مسئله

به جرئت می‌توان گفت همواره مهم‌ترین عنصر هویتی جامعه ایران، هویت دینی آن بوده است. این در حالی است که اوضاع و شرایط امروز جامعه، نشانه‌های نگران‌کننده‌ای را از آینده دینی و فرهنگی آن بازتاب می‌دهند، تا جایی که برخی کارشناسان اجتماعی گاه از آغاز روند فروپاشی نظام دینی سخن به میان آورده‌اند. گرچه موضوعی از این دست را می‌توان اغراق‌آمیز و گاه سیاه‌نمایی قلمداد کرد، بی‌شک اهمیت این موضوع به حدی است که حتی احتمال ضعیف آن نیز هر انسان دغدغه‌مندی را به تأمل و تدبیر جدی در این بحث وا می‌دارد. از سوی دیگر، نوعی حالت یأس، بی‌تفاوتی و تسلیم در برابر روند دین‌گریزی و عرفی‌شدن در بسیاری از مردم و مسئولان کشور مشاهده می‌شود، امری که به نوبه خود در تقویت این روند نقش دارد.

افول دین‌مداری یا به اصطلاح رایج‌تر عرفی‌شدن (سکولاریزاسیون) از مسائلی محوری جامعه‌شناسی دین است که طی مدتی بیش از یک قرن کوشش‌های نظری و تجربی فراوانی در جهت تحلیل ابعاد مختلف آن صورت گرفته و ادبیات سودمندی پیرامون آن پدید آمده است. ولی از آنجا که این مسئله، مسئله این تحقیق نبوده، از ورود به بررسی توصیفی وقوع یا عدم وقوع عرفی‌شدن صرف‌نظر نموده و صرفاً با تکیه بر یافته‌های پژوهشی موجود و تجربه‌های

زیسته نگارنده، وقوع درجه‌ای از عرفی‌شدن را دست‌کم در میان بخش‌هایی از گروه‌ها و اقشار جامعه ایران مفروض گرفته‌ایم. تعبیر وقوع درجه‌ای از عرفی‌شدن به این دلیل است که عرفی‌شدن کامل به معنای نابودی باورها و ارزش‌های دینی در میان همه بخش‌ها و اقشار جامعه، نه تنها در ایران اسلامی بلکه حتی در سکولارترین جوامع غربی نیز روی نداده است؛ بنابراین حداکثر می‌توان گفت جامعه ایران با کاهش نقش دین در زندگی اجتماعی یا خصوصی‌شدن دین روبه‌روست.

نکته اساسی راجع به ادبیات عرفی‌شدن آن است که برخلاف بسیاری از حوزه‌های علوم اجتماعی که در آنها متخصصان - به طور رسمی یا غیررسمی - از مرز توصیف و تبیین و پیش‌بینی عبور کرده و به حیطه مطالعات تجویزی و مداخله‌ای وارد می‌شوند، مبحث جامعه‌شناسی عرفی‌شدن از آن دست مباحثی است که زمینه‌چندانی برای گسترش مطالعات تجویزی و راهبردی در آنها پدید نیامده است؛ زیرا مفروض بیشتر صاحب‌نظران این بوده که با واقعیتی گریزناپذیر روبه‌رو هستیم و به علاوه، بخش عمده‌ای از جامعه‌شناسان اساساً فاقد دلبستگی و تعهد دینی بوده‌اند و حتی اقلیت جامعه‌شناسان دین‌دار معمولاً اتخاذ رویکرد تجویزی در جهت تقویت جایگاه اجتماعی دین را مغایر با شأن حرفه‌ای و تخصصی خود می‌دیدند؛ بنابراین، عمده مباحث از حد توصیف و تبیین فراتر نرفته است.

با این حال، از آنجا که قرآن و احادیث اسلامی بر اساس رویکرد اصلاحی و هدایتی خود، ظرفیت گسترده‌ای در جهت بسط مباحث راهبردی در زمینه تقویت دین‌مداری و مقابله با عرفی‌شدن دارند و به علاوه، با عنایت به بطلان مبنای جبرگرایی در اندیشه اسلامی، می‌توان ورود به مباحث تجویزی و راهبردی در این زمینه را موجه و بلکه ضروری دانست.

برای مباحث تجویزی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سطوح مختلفی شامل رسالت‌ها، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها، برنامه‌های عملیاتی، قوانین و مقررات، رویه‌ها و بودجه مطرح می‌شود. این پژوهش بدون ورود به سطح برنامه‌ریزی اجرایی و عملیاتی، ضمن آنکه مروری بر آرمان‌ها و رسالت‌ها دارد، کانون اصلی توجه خود را بررسی راهبردها و راهکارهای مناسب در زمینه تحکیم دین‌مداری در جامعه قرار داده است و هدف از آن، ارائه توصیه‌هایی نظام‌مند و معطوف به عمل به مجموعه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دخیل در این

زمینه است، توصیه‌هایی که از سویی مستند به مبانی اسلامی و از سوی دیگر، هماهنگ با واقعیات و اوضاع و شرایط اجتماعی باشند.

بی‌گمان حاکمیت دین و گسترش دین‌مداری در جامعه، نیازمند یک حرکت جهادی عظیم و همه‌جانبه با استفاده از همه ظرفیت‌های نهادی و مردمی است که در این میان، مسلماً سازمان روحانیت با توجه به وظایف ذاتی‌اش داعیه‌دار و متولی اصلی در این زمینه به شمار می‌آید. بر این اساس، تحقیق پیش رو با تمرکز بر نقش روحانیت به بررسی این مسئله می‌پردازد که «برای گسترش و تقویت دین‌مداری در جامعه ایران، چه راهکارهایی را در حیطه عملکردی سازمان روحانیت می‌توان پیشنهاد داد؟» برای پاسخ به این پرسش، کوشش خواهد شد با عنایت به یافته‌های طرح پژوهشی «نظریه عرفی شدن با رویکرد اجتهادی تجربی» و از طریق شناسایی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها از یک سو و آسیب‌ها و موانع از سوی دیگر، راهکارهای دارای قابلیت اجرا در این زمینه معرفی و تحلیل و نهایتاً در قالب مدلی راهبردی ارائه شوند.

گفتنی است این تحقیق در بررسی ظرفیت‌ها و کاستی‌های سازمان روحانیت و راهکارهای پیشنهادی، ناظر به بخش‌های خاصی از این سازمان نیست، بلکه می‌کوشد با نگاهی فراگیر به همه بخش‌ها و از جنبه‌های گوناگون به بررسی موضوع بپردازد و بنابراین پهنه گسترده‌ای شامل بخش‌های آموزش، پژوهش، تبلیغ، مرجعیت، سلوک فردی و اجتماعی و کنش سیاسی روحانیان را از حیث ارتباط این امور با تقویت یا تضعیف دین‌مداری در جامعه در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، آنچه خارج از قلمرو نقش‌آفرینی روحانیان و سازمان روحانیت است، از موضوع این تحقیق نیز خارج است و در نتیجه در بررسی ظرفیت‌ها و راهکارهای تقویت دین‌مداری، به حیطه اختصاصی سایر نهادهای اجتماعی که روحانیت در آن نقشی ندارد، ورود نخواهد شد.

پیشینه تحقیق

آثار پژوهشی فراوانی اعم از کتاب، مقاله و طرح پژوهشی در دو موضوع دین‌داری و روحانیت در دسترس‌اند. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آثار موجود در این حوزه مطالعاتی را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آثار جامعه‌شناختی که بدون رویکرد مداخله‌ای و بدون تمرکز بر موضوع دین‌داری صرفاً با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی وضعیت روحانیت پرداخته‌اند. برای نمونه، علی‌رضا

شجاعی‌زند در مقاله «کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت: الگویی برای بررسی»، با پیش‌فرض گرفتن مدعای کاهش نفوذ روحانیت و بدون اتکا بر یافته‌های میدانی، به بررسی عوامل آن در قالب یک مطالعه نظری - تحلیلی پرداخته و کوشیده است الگوی جامعی ارائه دهد که تمامی عوامل مستقیم و غیرمستقیم موثر بر این کاهش مفروض را در سه سطح مردم، ساختار اجتماعی و روحانیت و با لحاظ ترکیب‌های محتمل عوامل این سطوح با یکدیگر در بر گیرد و مسیر و روش بررسی هر یک از شاخه‌های آن را به تفکیک نشان دهد. در همین راستا، کاظم سام دلیری در مقاله «الگویی برای بررسی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیان در ایران؛ نقد مقاله دکتر شجاعی‌زند» کوشیده است ابهام‌ها و نقایص الگوی پیشنهادی شجاعی‌زند را در دو بعد بیرونی و درونی نشان دهد و در ادامه، الگوی مختار خود را ارائه داده است.

۲. آثار جامعه‌شناختی که بدون رویکرد مداخله‌ای و بدون تمرکز بر موضوع روحانیت صرفاً به توصیف وضعیت دین‌داری یا عرفی شدن و تبیین عوامل یا پیامدهای آن در سطح فردی و اجتماعی نگاشته شده‌اند. برای نمونه، کتاب چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن، نوشته سیدحسین سراج‌زاده، مقاله «بررسی وضعیت دین‌داری در ایران: با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته»، نوشته مهدی فرجی و عباس کاظمی، مقاله «تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، نوشته محمدرضا طالبان و مهدی رفیعی بهابادی و مقاله «هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده (۱۳۸۰-۱۳۹۲)»، نوشته علی قنبری برزیان و رضا همتی با چنین رویکردی به رشته تحریر درآمده‌اند. شجاعی‌زند نیز در مقاله «مسیرهای محتمل در عرفی شدن ایران»، تحلیلی نظری و غیرتجربی درباره راه‌های احتمالی عرفی شدن جامعه ایران ارائه داده است.

همچنین کوهی و همکاران در مقاله «برآوردی از پیامدهای روندهای دین‌داری در آینده تبلیغ دین»، با رویکردی آینده‌پژوهانه، پیامدهای احتمالی متفاوت و باواسطه روندهای اصلی تغییر دین‌داری بر آینده تبلیغ دین را بررسی کرده‌اند. به نظر آنان، چهار روند اصلی (افزایش گرایش به دین‌ورزی احساسی، رشد گزینش‌گری و ترکیب‌گرایی در دین‌داری، چالش‌های حاکمیت دینی و مطالبه و رواج الگوی درمان‌گرایی در دین‌داری) موجب خواهند شد تبلیغ دین در آینده دشوارتر و نقش عموم مردم در آن بیشتر شود و سازمان‌ها و نهادهای دولتی با چالش نقش در آن

مواجه شوند؛ تکثر در الگوها و روش‌های تبلیغی و نیاز به خلاقیت و مهارت‌های ابداعی افزایش خواهد یافت؛ اعزام مبلغ، الگویی ناکارآمد تلقی شده و گروه‌ها و مؤسسه‌های تبلیغی با چاشنی درآمدزایی و ارتباط بده‌بستان با مخاطبان، به سمت الگوهای جدیدی از تعامل پیش خواهند رفت؛ مبلغان دین بیش از آنکه ارائه‌دهندگان اطلاعات دینی باشند، پاسخ‌گویان به نیازهای عاطفی، عرفانی و معنوی مخاطبان خود خواهند بود.

۳. آثاری که رویکرد مداخله‌ای دارند، ولی از میان دو موضوع دین‌داری و روحانیت فقط بر موضوع روحانیت تمرکز یافته‌اند، یعنی مسئله آنها آسیب‌شناسی و ارائه راهکار در زمینه نقش روحانیت به طور کلی و صرف نظر از مسئله دین‌داری بوده است، هرچند با توجه به فلسفه وجودی و کارکرد روحانیت می‌توان گفت مفروض نویسندگان آثار مزبور این بوده است که بهبود عملکرد روحانیت در تقویت دین‌داری تأثیر دارد. برای نمونه، کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، حاوی دیدگاه‌های جمعی از اندیشمندان که در اوایل دهه ۱۳۴۰ به چاپ رسیده است، کتاب جامعه‌شناسی روحانیت ایران معاصر، نوشته سلیمان خاکبان، کتاب درآمدی بر الزامات تحول در حوزه علمیه، روحانیت، تهدیدها و فرصت‌ها، نوشته رضا عیسی‌نیا و کتاب روحانیت و اقتضانات جامعه معاصر (مجموعه نشست‌های تخصصی)، به کوشش محمدکاظم کریمی، با چنین رویکردی نگاشته شده‌اند.

همچنین کیانپور و همکاران در مقاله «توصیف کیفی فراگرد ارتباط مردم و روحانیت در تبلیغ دین؛ نگرشی آسیب‌شناسانه از منظر روحانیون مبلغ نخبه»، آسیب‌های ارتباط مردم و روحانیت در زمینه تبلیغ دین را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با روش توصیف کیفی و با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه عمیق با تعدادی از مبلغان نخبه، پنج مقوله را به‌عنوان آسیب‌های ارتباط مردم و روحانیت شناسایی کرده‌اند: مقوله قطع فراگرد ارتباط با مفاهیمی مانند پرچم‌داری زید و عمر، اقتدار قضایی و اداری و توطئه‌اندیشی؛ مقوله فاصله نقش با مضامینی همچون روحانی مکلاً، دین وارونه، منبرهای پوچ و روحانی ابزار؛ مقوله الزامات زمینه‌ای با مفاهیمی چون فرهنگ‌گریزی، ذائقه‌گریزی و ارزش‌گریزی و مقوله کاهش میزان توان ارتباطی و مقوله بومرنگ تبلیغ با مفاهیمی مانند تبلیغ بی‌کلام و تبلیغ پاکتی توصیف شده‌اند.

۴. آثاری که رویکرد مداخله‌ای دارند، ولی تنها بر موضوع دین‌داری متمرکز شده‌اند، یعنی مسئله آنها صرفاً چگونگی تقویت هویت و فرهنگ دینی به طور کلی یا به واسطه نهاد دیگری

مانند خانواده و با قطع نظر از نقش خاص روحانیت بوده است. کتاب فرهنگ دینی؛ مفاهیم، نظریه‌ها و راهکارها، نوشته مجید کافی و مقاله «راهکارهای تقویت دین‌باوری و دین‌داری در خانواده»، نوشته مجتبی جعفری و صفیه جعفری با این رویکرد تألیف شده‌اند. با این همه، شناسایی منابعی برخوردار از چهار ویژگی اتقان پژوهشی، تمرکز بر مسئله دین‌داری یا دین‌مداری، توجه ویژه به نقش روحانیت در این زمینه و اتخاذ رویکرد مداخله‌ای بسیار دشوار است و اگر ابتدای پژوهش بر مبنای و چارچوب نظری اسلامی را به‌عنوان ویژگی پنجم در نظر بگیریم، احتمالاً یافتن منبعی که واجد همه این ویژگی‌های پنج‌گانه باشد، ناممکن خواهد شد. با این توضیح می‌توان وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین را رعایت هر پنج ویژگی یادشده یا دست‌کم حرکت در این مسیر دانست.

مراحل و روش تحقیق

پژوهش‌هایی که به سیاست‌گذاری یا طراحی الگوهای مطلوب می‌پردازند، به مدلی برای هدایت فرایند پژوهش از طریق تعیین مراحل مختلف آن نیاز دارند. بدین منظور، شیوه‌هایی برای مدل‌سازی ارائه شده‌اند که شیوه مدل‌سازی فرایندی یا خطی^۱ از پرکاربردترین آنها به شمار می‌آیند. تمرکز این شیوه بر پیگیری فرایندی مراحل مختلف سیاست‌گذاری است که اموری مانند بیان مسئله، توصیف و تبیین وضعیت موجود، تدوین پیشنهادهای مربوط به خط‌مشی، مشروعیت بخشیدن به خط‌مشی، اجرای خط‌مشی‌ها و ارزیابی خط‌مشی‌ها را شامل می‌شود.^۲ هنگامی که این شیوه به صورت موردی در پژوهش‌های خاص به کار می‌رود، با تنوع چشمگیر مدل‌سازی‌ها و گاه سلیقه‌ای شدن آنها روبه‌رو می‌شویم و به همین دلیل، طراحان این شیوه معمولاً بر لزوم انعطاف‌پذیری آن و پرهیز از نگاه کاملاً خطی تأکید می‌کنند؛ زیرا هر پژوهشی

۱. به رغم نقدهایی که در مطالعات سیاست‌گذاری به مدل‌های خطی وارد شده، این مدل‌ها به دلایلی مانند سادگی، به‌صرفه بودن، سازمان‌بخشی بهتر به تحقیق، عینی بودن، اعتمادپذیری و نداشتن جایگزین‌های کارآمدتر همچنان ارزشمند تلقی می‌شوند، گو اینکه به جرح و تعدیل نیاز دارند. (اسمیت و لریمر، درآمدی نظری بر سیاست عمومی، ص ۵۶).

۲. ر.ک: گیوریان و ربیعی مندجین، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، ص ۸۳.

اقتضانات خاص خود را بر فرایند پژوهش و نحوه تنظیم مراحل آن تحمیل می‌کند. با این حال، می‌توان حداقل‌هایی را به‌عنوان گام‌های ضروری در این نوع پژوهش‌ها شناسایی کرد. برحسب یکی از کوشش‌های انجام‌گرفته در جهت انسجام‌بخشی و ایجاد وحدت رویه نسبی در پژوهش‌های راهبردی، دوازده گام برای طراحی الگوی مطلوب معرفی شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه هر یک از این مراحل، اقتضای کاربست روش یا روش‌های خاصی را دارد، اتخاذ روش‌های ترکیبی برای انجام این نوع پژوهش‌ها ضرورت می‌یابد. بر این اساس، مراحل و روش‌های ذیل پیشنهاد شده‌اند:^۱

جدول (۱): مراحل و روش‌های طراحی الگوی مطلوب

روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها	مراحل طراحی الگوی مطلوب	
---	طراحی و تدوین مسئله پژوهش	۱
سوات (SWOT)، فراتحلیل، پیمایش و تحلیل داده‌های ثانویه	بررسی وضعیت موجود	۲
اسنادی، تطبیقی، اثربخشی، ارزیابی تأثیرات، تاریخی	مرور تجارب عملی	۳
تحلیل اسنادی، تحلیل گفت‌وگو، تحلیل محتوا	تدوین ارزش‌های ورودی	۴
سناریونویسی، تحلیل ماتریس متقاطع	آینده‌پژوهی	۵
محیط‌شناسی، اسنادی، فراتحلیل	تحلیل محیطی	۶
شبه دلفی، مصاحبه عمیق	ارائه چشم‌انداز و آینده مرجح	۷
محاسبات ریاضی و آماری	تحلیل شکاف یا درجه ناهمخوانی	۸
سوات، اسنادی	شناسایی منابع و ظرفیت‌ها	۹
---	تعیین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها	۱۰
مصاحبه با خبرگان	تدوین نظام ارزیابی	۱۱
شبه دلفی	اعتباربخشی به گزارش نهایی تحقیق	۱۲

در تحقیق پیش رو، با عنایت به چهار نکته کوشش خواهد شد تمام مراحل یادشده با چینی متفاوت به صورت تفصیلی یا اجمالی به اجرا درآیند: نخست، امکان ادغام برخی مراحل در یکدیگر؛ دوم، الزامات خاص این تحقیق از جهت اتخاذ رویکرد درون‌دینی در برخی مراحل؛ سوم، میزان دسترسی به داده‌های مورد نیاز که مستلزم اجمال یا تفصیل در برخی

۱. حاجیانی، «روش‌شناسی طراحی و تدوین الگوی مطلوب در پژوهش‌های راهبردی»، راهبرد، ش ۷۸، ص ۱۶-۲۵.

مباحث است و چهارم، تدوین مسئله پژوهش (مرحله اول) در قسمت بیان مسئله. بر این اساس، یازده مرحله باقی مانده در پنج مرحله ذیل جمع شده‌اند:

۱. تدوین ارزش‌های ورودی

این مرحله از تحقیق که ناظر به مرحله چهارم از مراحل جدول است، در فصل نخست کتاب (وظایف روحانیت) دنبال می‌شود. از آنجا که قرآن و احادیث اسلامی اصلی‌ترین سند تعیین ارزش‌ها و آرمان‌ها در زمینه سازمان روحانیت است، در این مرحله عمدتاً روش‌های مرسوم اجتهادی و تفسیری با رعایت اختصار به کار گرفته خواهند شد، روش‌هایی که می‌توان آنها را با قدری تسامح در خانواده روش‌های تحلیل محتوا، تحلیل مضمون و تحلیل اسنادی طبقه‌بندی کرد، همچنان‌که در تکمیل مباحث به دیدگاه‌های زعما و صاحب‌نظران روحانیت استناد خواهد شد، دیدگاهی که با اطمینان نسبتاً بالایی می‌توانند بیانگر موضع دین قلمداد شوند.

۲. شناسایی ظرفیت‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها، منابع، تهدیدها و موانع

این مرحله که در اصل، تلفیقی از مراحل دوم، ششم و نهم از مراحل جدول بالاست، در فصل دوم کتاب (توانمندی‌ها و موانع روحانیت در زمینه تحکیم دین‌مداری) و با بهره‌گیری یا الهام‌گیری از روش‌های سوات و تحلیل محتوا از طریق رجوع به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و داده‌های تجربی و تاریخی و در مواردی تأمل عقلانی و تحلیل محتوایی، به اجرا در خواهد آمد. در ضمن، مرحله سوم از مراحل جدول بالا (مرور تجارب عملی) با همین مرحله ادغام خواهد شد؛ زیرا در نظر گرفتن مرحله‌ای مستقل برای مرور تجارب عملی بر این پیش‌فرض استوار بوده که تجارب غیرخودی (سایر جوامع، کشورها یا سازمان‌ها) مقوله جداگانه‌ای است که می‌تواند برای طراحی الگوهای مطلوب آموزنده باشد، در حالی که در این بحث اغلب با تجارب پیشین خود روحانیت که جنبه‌ای از ظرفیت‌های آن هستند، سروکار داریم و اگر احیاناً به داده‌هایی درباره تجارب غیرخودی دست یابیم، با فرض اینکه قابل الگوگیری باشند، می‌توان آنها را به ظرفیت‌های بالقوه روحانیت ملحق کرد.

۳. بررسی ضعف‌های عملکردی روحانیت

این مرحله که بخشی از مرحله دوم از مراحل جدول بالا را در بر می‌گیرد، در فصل سوم کتاب (روحانیت و کاستی‌های عملکردی مؤثر در افول دین‌مداری) پیگیری خواهد شد. روش‌های سوات و تحلیل محتوا از طریق رجوع به دیدگاه‌های صاحب‌نظران مباحث حوزه و روحانیت به‌ویژه آرای امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، شهید آیت‌الله مطهری رحمته‌الله‌علیه و آیت‌الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه) و نیز آرای متخصصان مطالعات اجتماعی روحانیت و همچنین داده‌های تجربی و آماری گزارش شده در منابع موجود، اعم از کتاب‌ها، مقالات و سایر نشریات و منابع اطلاعاتی، در این مرحله از تحقیق به کار گرفته خواهند شد و اینها صرف‌نظر از مشاهدات شخصی نگارنده و تجربه‌های زیسته او به‌عنوان کسی است که توفیق حضور چهل‌ساله (از سال ۱۳۶۱ تاکنون) در حوزه علمیّه قم را داشته است.

۴. ارائه چشم‌انداز، راهبردها و نظام ارزیابی

این مرحله که ناظر به مراحل پنجم، هفتم، هشتم، دهم و یازدهم از مراحل جدول بالاست، در فصل چهارم کتاب (چشم‌انداز و راهبردهای نقش‌آفرینی روحانیت در زمینه دین‌مداری) پیگیری خواهد شد. محتوای این فصل تا آنجا که به توصیف راهبردهای پیشنهادی می‌پردازد، حاوی کار پژوهشی مستقلی نیست، بلکه برآیند یافته‌های مراحل پیشین است و ازاین‌رو به روش خاصی نیاز ندارد. با این حال، در آغاز این فصل ضمن ترسیم چشم‌انداز مطلوب در قالب مجموعه‌ای از اهداف و شاخص‌ها، اشاره‌ای به میزان فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب صورت خواهد گرفت، همچنان‌که در پایان فصل، بحثی با عنوان تحلیل آینده‌نگرانه راهبردهای پیشنهادی و بحث کوتاهی ناظر به تدوین نظام ارزیابی مطرح خواهد گردید که قهراً این مباحث جنبه تحلیلی دارند. البته از آنجا که آینده‌پژوهی مسائل روحانیت، به پژوهش‌های گسترده و مستقلی نیاز دارد و به‌علاوه، در این سطح گسترده نمی‌تواند پیش‌نیاز ضروری این تحقیق قلمداد شود، از ورود تخصصی و تفصیلی به آن که مستلزم اجرای روش‌های خاصی همچون سناریونویسی و تحلیل ماتریس متقاطع است، صرف‌نظر شده و به پیش‌بینی‌هایی اجمالی مبتنی بر مشاهدات و تأملات شخصی نگارنده درباره روندهای موجود بسنده خواهد شد، پیش‌بینی‌هایی که روایی آنها از طریق گفت‌وگو و هم‌اندیشی با نخبگان در خلال مصاحبه‌ها تا

حدودی تأمین خواهد گردید، همچنان‌که ادعاهای ناظر به چشم‌انداز و فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب و همچنین طرح اولیه نظام ارزیابی، به همین طریق اعتبارسنجی خواهند شد.

۵. اعتباربخشی به گزارش نهایی تحقیق

این مرحله که دوازدهمین مرحله از جدول بالاست، بدون آنکه فصل یا بخش مستقلی از این نوشتار را به خود اختصاص دهد، پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها و از طریق مصاحبه با تنی چند از نخبگان به اجرا در خواهد آمد و طبعاً یافته‌های این مصاحبه‌ها ممکن است موجب تجدید نظر، اصلاح یا تکمیل پاره‌ای از تحلیل‌های اولیه گردد که این تغییرات در همان قسمت‌های مربوطه منعکس خواهند شد.

مفهوم‌شناسی

در این قسمت، تعریفی از دو مفهوم کلیدی تحقیق یعنی دین‌مداری و روحانیت ارائه خواهد شد.

• تعریف دین‌مداری

مفهوم دین‌مداری^۱ به وضعیتی اشاره دارد که در آن، دین در اندیشه و عمل افراد در سطوح فردی و جمعی محوریت می‌یابد و مبنای ساختاری ساختارهای اجتماعی نیز قرار می‌گیرد. تعبیر دین‌مداری یا محوریت دین، متضمن مفهومی انحصارگرایانه و حذفی نیست، یعنی بر نادیده گرفتن نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست و قانون به‌عنوان نهادهایی در عرض دین و یا بر نفی عناصری همچون عقلانیت، علم، فرهنگ، هنر و فناوری دلالت ندارد. خاستگاه این تعبیر، مبنای کلامی جامعیت قلمرو دین و مبنای جامعه‌شناختی فراتر از دین است و به وضعیتی اشاره دارد که در آن، نهادها و عناصر مزبور به نحوی صبغه دینی و انتساب

1. religion-centricity

دینی داشته باشند یا دست کم با دین ناسازگار نباشند و این اقتضا می کند که هویت آنها نه به طور مستقل از دین، بلکه در پیوند با دین و همسو با آن تعریف شود.^۱

به هر حال، انتخاب واژه نسبتاً نامأنوس دین مداری به عنوان مفهوم کانونی بحث، به دلیل نارسایی مفاهیمی مانند دین داری^۲ و دین گرایی^۳ در افاده معنای مورد نظر صورت گرفته است؛ زیرا به نظر می رسد این گونه مفاهیم صرفاً پیوندهای اعتقادی، اخلاقی و رفتاری افراد با دین را به ذهن متبادر می کنند و جنبه های اجتماعی و کلان تحقق دین را پوشش نمی دهند. همچنین دلیل عدم استفاده از مفهوم پرکاربرد عرفی شدن عمدتاً پرهیز از درگیر شدن در ابهامات و اشکالات مفهومی و مصداقی و دشواری های به کارگیری این مفهوم بوده است که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مفهوم عرفی شدن به شدت منبعث از بستر فرهنگ مسیحی بوده و از این رو، تعمیم و تحمیل آن به ادیان و زمینه های فرهنگی دیگر می تواند ناموجه باشد. با توجه به غیربومی بودن این مفهوم، در به کارگیری آن در یک جامعه شناسی بومی همواره این نگرانی وجود دارد که گوینده، شنونده، نویسنده یا خواننده نتوانند خود را از قید پیش فرض های نظری و ملزومات اجتماعی - فرهنگی نهفته در بطن آن برهانند.

مفهوم عرفی شدن، مفهومی فرایندی است و این امر پژوهشگران حوزه جامعه شناسی دین را با مشکل فقدان داده های معتبر و قابل استناد از وضعیت اجتماعی دین در دهه های پیشین به منظور نشان دادن روند افول جایگاه آن در جامعه روبه رو کرده است.

از اشکالات جدی مفهوم عرفی شدن، ابهام در خود تعریف و ابعاد و مؤلفه های آن و از جمله، نسبت منطقی میان این مفهوم و مفاهیم دین و دین داری است، ابهامی که گاه شائبه خلط دو بحث عرفی شدن و کاهش دین داری از سوی پژوهشگران این حوزه را پدید می آورد. همچنین لایه های مختلف عرفی شدن، شامل محو کامل دین از صحنه زندگی فردی و اجتماعی، افول

۱. چنین معنایی از دین مداری در تقابل با دو مفهوم قرار می گیرد: دین حداقلی که مفهومی برآمده از نگاه تقلیل گرایانه فیلسوفان و جامعه شناسان دین غربی و ناظر به خلع ید دین از اثرگذاری در عرصه های گوناگون اجتماعی است و دین حداکثری با این برداشت افراطی که دین آمده است تا همه نیازهای انسان، حتی نیازهایی را که در قلمرو عقل و تجربه و دیگر ظرفیت های وجودی انسان قرار می گیرند، برآورده سازد.

2. religiousness, religiosity

3. religionism

دین به معنای محدود شدن آن به برخی از اقشار جامعه، خصوصی شدن دین به معنای انزوا و محدود شدن آن به قلمروی خصوصی زندگی افراد و کاهش اهمیت و تأثیر دین به‌رغم ادامه حضور آن در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی،^۱ نقش مهمی در ابهام این مفهوم دارند.

اما مفهوم دین‌مداری هرچند مشتمل بر مفهوم دین است که ابهامات خاص خود را دارد، ولی دست‌کم از اشکالات مفهومی پیش‌گفته عاری است، ضمن آنکه می‌توان از نتایج تأملات مفهومی ارزشمند جامعه‌شناسان دین در موضوع عرفی شدن، در جهت ایضاح بیشتر مفهوم دین‌مداری بهره جست و از جمله، تمایز نهادن میان سطوح خُرد و کلان از نکات مورد اهتمام در بحث دین‌مداری خواهد بود. دین‌مداری در سطح خُرد به وضعیتی اشاره دارد که در آن، دین در شکل دهی به باورها، آگاهی‌ها، احساسات و کنش‌های افراد، محوریت یافته است و در سطح کلان به وضعیتی ناظر است که در آن، شکل‌گیری ساختارها و نهادهای اجتماعی و عملکرد آنها همسو با تعالیم دینی تحقق می‌یابد.

به این ترتیب، مفهوم دین‌مداری از سویی در تقابل با مفاهیمی مانند دین‌گریزی و دین‌ستیزی قرار دارد، یعنی مفاهیمی که از رویگردانی عامدانه و مخالفت و ضدیت آشکار با دین حکایت می‌کنند و از سوی دیگر با مفهوم عرفیت یا عرفی شدن تنافی دارد، مفهومی که پیوستاری از رویکردهای دنیاگرایانه و غیردینی و حتی موارد دین‌داری‌های گزینشی را شامل می‌شود، مواردی که در آنها تعبد و تعهد خالص دینی رخت برمی‌بندد و افراد بر اساس علاقه و ذائقه، بخشی از آموزه‌های دینی را انتخاب کرده و آنها را با ارزش‌های دنیاگرایانه و ترجیحات شخصی خود به‌رغم ناسازگاری‌های ماهوی، سازش می‌دهند.

معرفی مصداق‌ها و شاخص‌های مفهوم دین‌مداری می‌تواند به ایضاح بیشتر آن کمک کند. بدین منظور، مجموعه‌ای شامل بیش از ۷۰ شاخص که در خلال مطالعه‌ای در زمینه عرفی شدن توسط نگارنده از متون دینی استخراج گردیدند،^۲ در جدول ذیل گردآوری و در دو سطح فردی شامل شش بعد و جامعه‌ای شامل دو بعد تفکیک شده‌اند:

۱. ر. ک: گورسکی، «مطالعه تاریخی مناقشه دنیوی شدن»، دنیوی شدن در بوته نقد، ص ۱۹۹-۲۰۱.
 ۲. بستان (نجفی)، «بازتعریف مفهوم عرفی شدن و شاخص‌یابی آن در منابع اسلامی»، راهبرد فرهنگ، ش ۴۲، ص ۲۹.

جدول (۲): شاخص‌های دین‌مداری در متون دینی

شاخص‌ها	ابعاد	سطح
خود را نیازمند خدا دانستن، عدم تزلزل در ایمان، عدم تبعیض در ایمان به کتاب الهی، توکل، ایمان به غیب، پرهیز از اندیشه‌های انحرافی، پرهیز از ارتداد و دین‌گریزی، پرهیز از پوچ‌گرایی، روحیه تسلیم در برابر دین، عقل‌گرایی (در مقابل حس‌گرایی)، نداشتن نگاه تفریحی و بازیچه‌ای به دین	باورها	فردی
آگاهی دینی، غافل نبودن، ارائه تفسیرهای دینی از امور به جای تفسیرهای مادی	آگاهی‌ها	
قائل بودن به قبح گناه، پرهیز از تمسخر آیات خدا، احترام عالمان دین، پرهیز از ملی‌گرایی، دلبستگی نداشتن به پول و ثروت، ترجیح آخرت بر دنیا	ارزش‌ها	
خوف و رجای الهی، حب خدا، حب اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> ، میل به دعا و رازونیز با خدا، احساس حضور خدا، روحیه استعانت از خدا، احساس بندگی خدا، نفرت از کفر و گناه، داشتن انگیزه‌های دینی در کنترل درونی، پاک بودن از موانع قلبی تجربه‌های دینی	تجارب	
پرهیز از تشبیه به کفار، اهتمام به شعائر الهی، سنت سلام کردن، سنت صلوات فرستادن، نام‌گذاری فرزندان به نام‌های بزرگان دین، اهتمام به مناسبت‌های دینی	نمادها	
اهتمام عملی به نماز، کاهش گناه، اهتمام به قرآن، پرداخت زکات، پرداخت خمس، استقامت در راه خدا، پرهیز از نگاه‌های هوس‌آلود، رعایت حجاب شرعی، پرهیز از ناهنجاری‌های جنسی، مشروعیت فرزندان، ترک اعمال شبهه‌ناک، حضور در مساجد، زیارت قبور بزرگان دین، پرهیز از کاخ‌نشینی، پرهیز از ترف و خوشگذرانی، پرهیز از بازی‌های بیپه‌وده	کنش‌ها	
استقرار نهاد قضاوت شرعی، مرجعیت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> ، استقرار نظام ولایی، مرجعیت عالمان دین، شکل‌گیری اجتماعات دینی، سنت تبلیغ دین، آموزش علوم دینی، عدم اقبال به علم دنیاگرایانه، نهادینه شدن ازدواج و خانواده، عدم اقبال به الگوهای جایگزین خانواده، نهادینه شدن وقف، کسب و کار آخرت‌گرایانه	نهادها	جامعه‌ای
نقش هدایت‌گری مساجد، نقش دین در کنترل اجتماعی، نقش دین در جامعه‌پذیری، نقش دین در تعیین هنجارهای اجتماعی، نقش دین در همسرگزینی، نقش دین در تحکیم خانواده، نقش دین در روابط خویشاوندی، نقش دین در مسئولیت‌سپاری‌ها، نقش دین‌داری در تعیین منزلت اجتماعی، نقش دین در قانون‌گذاری، نقش دین در منع پیوند دوستی با کفار، نقش دین در حفظ یکپارچگی جامعه	کارکردها	

• تعریف روحانیت

واژه روحانی که مشتق از «روح» است، در لغت و قرآن و حدیث به معنایی که اینک در اذهان ما متبادر می‌شود، یعنی کارگزار امور دینی، به کار نرفته است، بلکه بر انتساب شخص یا شیء به روح دلالت دارد. برخی احتمال می‌دهند نخستین کاربردهای این واژه در زبان فارسی در معنای امروزی به روشنفکران دوره نهضت مشروطه بازمی‌گردد و منشأ این تغییر معنایی، ترجمه

غیردقیق متون شرق‌شناسان بوده است.^۱ نظر شهید بهشتی رحمته‌الله نیز آن است که این اصطلاح جدید از آیین‌های هندی، زرتشتی و مسیحی سرچشمه گرفته که در آنها تداعی‌گر نوعی تقابل و تضاد میان جسم و روح بوده است و سپس از طریق آنها به جامعه ایران منتقل شده است.^۲ از سوی دیگر، کلیدواژه‌هایی همچون علماء، فقها، حکما، قضات، رؤات، دُعَات، ربّانیون، حَمَلَةُ قرآن، اهل الذکر و طلاب علم که در متون اسلامی به وفور یافت می‌شوند، وافی به معنای مورد نظر نیستند؛ زیرا هر کدام صرفاً به جنبه‌ای از جنبه‌های متعدد آن معنا اشاره دارند.

از این رو، برای بیان معنای وسیعی که در این تحقیق مورد نظر بوده است، یعنی معنایی که عالمان دین، متعلمان علوم دینی، مبلغان دین و سازمان متشکل از این افراد را شامل می‌شود، عجزاً واژه‌ای جامع‌تر و گویاتر از روحانیت به ذهن نمی‌آید. بر این اساس می‌توان روحانیت را مجموعه عالمان، متعلمان و مبلغان علوم دینی و سازمان متشکل از آنان تعریف کرد. روشن است که این تعریف، دامنه‌ای وسیع‌تر از معانی عرفی این واژه را پوشش می‌دهد که معمولاً در آنها به بعد سازمانی روحانیت در کنار افراد روحانی توجه نمی‌شود.

از این گذشته، در تعریف مزبور از درج قیودی مانند «عمل به دستورات اسلامی»، «کوشش در جهت ترویج دین‌داری» و «تلبس به لباس روحانیت» پرهیز شده است، قیودی که در واقع از عناصر مقوم مفهوم روحانیت نیستند، بلکه به اموری عرضی و انفکاک‌پذیر اشاره دارند که صرفاً می‌توانند در تمایز نهادن میان روحانیان اصیل و غیراصیل، روحانیان وظیفه‌شناس و غیروظیفه‌شناس و روحانیان رسمی و غیررسمی کارایی داشته باشند. به این ترتیب، تعریف یادشده در تقابل با تعاریفی قرار می‌گیرد که با افزودن این گونه قیود غیرضروری، معنای روحانیت را مضیق کرده‌اند.^۳ برای نمونه، برخی با افزودن چنین قیودی روحانیت شیعه را این گونه تعریف کرده‌اند: «گروهی از شیعیان عالم و مؤمن به اصول و ارزش‌های اسلامی و شیعی که طی تحصیل در نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های علمیه، در نظامی سلسله‌مراتبی - که از مرتبه طلاب و فضلا آغاز می‌شود و تا مرتبه مرجعیت ادامه می‌یابد - معمولاً در لباس روحانی، از

۱. یعقوبی، مراتب روحانیت و نقش آن در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر، ص ۲۸-۲۹.

۲. بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۳۸.

۳. نکته تمایز میان این تعاریف، ریشه در مبانی دقیقی دارد که علمای اصول در مسئله «صحیح و اعم» به تفصیل پیرامون آن بحث کرده‌اند.

طریق فعالیت‌های علمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به منظور حفظ و توسعه آموزه‌های اسلامی و شیعی می‌کوشند.^۱ همچنین شهید مطهری رحمته‌الله در ضمن عبارتی که شاید به منظور ارائه تعریفی جامع و مانع مطرح نشده، روحانی را شخص عالم به معارف اسلامی و عامل به دستورات اسلامی معنا کرده است.^۲ این معنا نیز صرف نظر از تمرکز بر عالمان، به لحاظ اینکه قید عمل به دستورات اسلامی را در معنای روحانی دخیل دانسته است، از تعریف پیشنهادی متمایز می‌یابد.

گفتنی است کاستن از قیود تضییق‌کننده در تعریف روحانیت، دشواری‌های خاص خود را نیز در پی خواهد داشت؛ زیرا موجب شمولیت این مفهوم نسبت به طیف بسیار گسترده و متنوعی از مصادیق (از عالمان بزرگ گرفته تا طلاب مبتدی و از افراد روحانی گرفته تا مؤسسات و تشکیلات روحانیت) خواهد شد و قهراً هر چه دامنه این طیف وسیع‌تر باشد، یافتن وجوه تشابه و اشتراک دشوارتر است. در نتیجه، پژوهشگر در هر گونه اظهار نظر عام درباره روحانیت یا روحانیان در تنگنا قرار گرفته و ناگزیر از رعایت دقت و احتیاط بیشتر خواهد بود و یا ناچار می‌شود صرفاً درباره برآیندهای کلی روحانیت اظهار نظر کند.

پیش فرض‌های تحقیق

این نوشتار به عنوان پژوهشی متعلق به حوزه مباحث دین و دین‌داری، بر مجموعه‌ای از مبانی و پیش فرض‌های دین‌شناختی و انسان‌شناختی استوار است و از آنجا که رویکرد آن مداخله‌ای و راهبردی پژوهانه بوده، به بررسی مستقل این پیش فرض‌ها نپرداخته و آنها را با تکیه بر یافته‌های طرحی پژوهشی در موضوع عرفی شدن و با افزودن برخی نکات تکمیلی، مفروض گرفته است.^۳ مهم‌ترین پیش فرض‌های یادشده که پیوند نزدیک‌تری با بحث کنونی دارند، از این قرارند:

۱) دین، منشأ الهی و فرامادی دارد؛ از این رو، حقیقت دین باید از اموری همچون اسطوره‌ها، معنویت‌ها و ایدئولوژی‌های این‌جهانی متمایز دانسته شود.

۱. یعقوبی، مراتب روحانیت و نقش آن در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر، ص ۲۳.

۲. مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۱۵۳.

۳. برای مشاهده این یافته‌ها، ر.ک: بستان (نجفی)، نظریه عرفی شدن با رویکرد اجتهادی تجربی، ص ۷۸-۹۲.

۲) گرایش به دین و اخلاق، ریشه در فطرت مشترک انسان‌ها دارد. اهل ایمان به سبب لطف و تفضل الهی، سطح بالاتری از این گرایش را تجربه می‌کنند.

۳) دین اسلام با توجه به دو ویژگی جامعیت و کمال، در بردارنده همه امور است که انسان‌ها در مسیر سعادت به آنها نیاز دارند. بر این اساس، محدودیت دامنه دین به عنوان یکی از عوامل عرفی شدن جوامع غربی، در مورد اسلام مصداق ندارد که از آن می‌توان نامحتمل بودن دست‌کم برخی مسیرهای عرفی شدن در جوامع اسلامی را نتیجه گرفت. به تعبیر دیگر، کمال و جامعیت اسلام، ظرفیت ایستادگی و حتی غلبه در برابر عوامل عرفی‌ساز را به آن داده‌اند و از این رو، ناامیدی از احیای دین سنتی که در نظریه‌های غربی عرفی شدن موج می‌زند، به دین اسلام قابل تسری نیست.

۴) دین اسلام دارای گستره وسیعی است که ابعاد سه‌گانه باورها، اخلاقیات و احکام و در ذیل آنها مؤلفه‌های مختلفی همچون عبادات، مناسک، آگاهی‌ها و ارزش‌های دینی، معنویت، ایدئولوژی سیاسی و آداب و رسوم را شامل می‌شود، هرچند هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها به تنهایی مرادف مفهوم دین و معرف کامل آن تلقی نمی‌شوند.

۵) دین‌داری با توجه به دو جنبه عقلانی و تفصیلی آن، بر دو پایه معرفت و ایمان استوار است، هرچند به موجب ادله اختیار انسان، اولویت با معرفت است و تفصیل ایمان در امتداد آن قرار دارد.

۶) با توجه به فطری بودن دین که مستلزم ثبات و اشتراک آن میان همه انسان‌هاست، بخش عمده‌ای از معارف دینی جنبه فرازمانی و فرامکانی دارند.

۷) دین و عقل با هم تعارضی ندارند و رابطه آنها، رابطه وابستگی متقابل و هماهنگی است. ۸) صرف نظر از تکامل بین‌ادیانی که در شریعت‌های گذشته رخ داده، تکامل درون‌دینی در اسلام، امکان وقوعی ندارد، مگر به این صورت که آموزه‌های دینی در اثر بازخوانی مستمر آنها در مواجهه با تحولات اجتماعی از اجمال به تفصیل خارج شوند.

۹) دین، حقیقتی واحد و مطلق است و تکثر در آن راه ندارد، هرچند شریعت قابل تکثر است.